

### عفاف در رفتار فاطمه فرهادیان<sup>۱</sup>

#### چکیده

موضوع مورد بحث، عفاف در رفتار در حیطه‌ی حجاب و پوشش است. عفت، به معنی پارسایی و آن حالت نفسانی است که انسان را از غلبه‌ی شهوت بازدارد. قرآن به چند رفتار عقیفانه، از جمله رعایت عفت در گفتار، نگاه، شهوت، پوشش، و عفت در کردار، به ویژه در زنان، اشاره می‌کند و تأکید می‌فرماید: صحبت کردن زنان با نامحرم باید عقیفانه و به دور از نرمش و نازک کردن صدا باشد و از هرگونه سخنان غیر ضروری و بیهوده پرهیز کنند. در نگاه به نامحرم نیز زنان همانند مردان از چشم‌چرانی منع شده‌اند و باید از نگاه بد و هوس‌آلود چشم‌پوشی کنند؛ چراکه دیده به منزله‌ی دروازه‌ی دل است و اگر کنترل نشود در کشاندن آن به سمت گناه نقش زیادی دارد.

قرآن زنان را مکلف می‌کند، جاذبه‌ها و زینت‌های ظاهری و باطنی خود را آشکار نکنند، مگر آنچه نمایان است. آنها باید پوششی مناسب که تمام گردن و سینه و اندام‌ها و زینت‌های پنهان آنها را مستور کند

۱- دانش آموخته الهیات و معارف اسلامی در مقطع کارشناسی.

داشته باشند که موجب تهییج شهوت مردان نگردد و موجبات آزار و اذیت خود توسط افراد بیمار دل را فراهم نکنند. کردار و راه رفتن آنها نیز باید به دور از جلوه، خودنمایی و جلب توجه باشد. در نظام مقدس اسلام، این امور کاملاً حکیمانه و به مصلحت زن و اجتماع وضع گردیده است.

زنان با رعایت حجاب و عفاف و پوشش کامل و داشتن رفتاری به دور از خودآرایی و خودنمایی می‌توانند آرامش و آسایش و امنیت خود، خانواده و جامعه را به ارمغان بیاورند و از گسیختگی بنیان خانواده جلوگیری کنند و موانع بسیاری از فتنه‌ها که ریشه در عدم رعایت و حفظ حریم عفاف دارد، گردند.

#### واژه‌های کلیدی

عفت: آن حالت نفسانی است که باعث می‌شود تمام حرکات و رفتار انسان فاقد رذیلت‌های شهوانی باشد.

تخضعن: از ماده خضوع و در اینجا به معنی نازک و نرم سخن گفتن است.

یفضضن: از ماده غض و به معانی کاهش و کم کردن نگاه است.

یحفظن فروجهن: حفظ فرج و دامن از نگاه نامحرم است.

یبدین: از ابداء به معنی آشکار و ظاهر کردن است.

خمر: جمع خمار است؛ جامه و لباسی که سر و موی زن را می‌پوشاند.

جیوب: جمع جیب؛ به معنی گریبان و سینه است.

جلایب: جمع جلباب؛ لباس بلند و سرتاسری که تمام اندام و بدن زن را پوشاند.

تبرج: به معانی ظاهر شدن در برابر مردم، به صورت خودنمایی است.

یکی از عوامل استحکام خانواده و اجتماع، ملکه‌ی نفسانی عفاف است که اگر در جان پرورانده شود به ثمر نشسته و حاصل آن مصونیت و در نتیجه قرب و نزدیکی به خداوند خواهد بود. عفاف در رفتار در زمینه‌های مختلف و گسترده‌ای، از جمله عفت شکم، عفت کلام و... طرح می‌شود. در این مقاله، فقط به جنبه‌هایی از عفاف می‌پردازیم که در حیطه‌ی حجاب و پوشش قرار دارد.

در آغاز واژه‌ی عفاف را تعریف کرده و سپس با توجه به آیات و روایات به توضیح عفاف در گفتار و نگاه و شهوت و پوشش و کردار پرداخته و تبیین می‌کنیم که زنان در برابر نامحرم باید از هرگونه خودنمایی و رفتار و کردار و سخن و حرکات جلوه‌گرانه که به دور از شأن زنانه است و موجب تحریک مردان می‌گردد، خودداری نمایند و عفت پیشه کنند.

### عفاف در رفتار

دین مبین اسلام، به عنوان آیین جامع و کامل خداوند متعال، در حمایت از شخصیت انسانی و معنوی زن و در جهت حفظ عفت عمومی، دستورهای حکیمانه‌ای مبتنی بر لزوم رعایت عفت و حیا در ابعاد گوناگون صادر نموده است. البته عفاف مخصوص زنان نیست و مردان نیز باید عقیف باشند و لیکن چون مردان به دلیل داشتن قدرت جسمانی و برتری جسمانی این توانایی را دارند که به زن ظلم کنند و بر

خلاف میل او رفتار نمایند، از این رو اسلام بر روی عفت زن تاکید بیشتری نموده است.<sup>۱</sup>

قرآن یکی از ویژگی‌های مؤمنان راستین را، عفاف و پاکدامنی می‌داند و می‌فرماید: ﴿وَالسَّادِقَاتُ الّٰهَمَّ لِلرُّحُوٰمِ حَافِظُوْنَ﴾ «آنان [مؤمنان] کسانی هستند که دامان خویش را از بی‌عفتی حفظ می‌کنند.»<sup>۲</sup>

در فضیلت عفاف روایات بسیاری آمده از جمله:

«افضل العبادۃ العفاف.»؛ برترین عبادت، عفت است.<sup>۳</sup>

«العفة رأس کلّ خیر.»؛ عفت در رأس همه‌ی خوبی‌ها است.<sup>۴</sup>

«العفة افضل الفتوة.»؛ عفت، برترین جوانمردی است.<sup>۵</sup>

«العفة افضل شیمه.»؛ عفت برترین خصلت است.<sup>۶</sup>

«العفاف یصون النفس و ینزهها عن الدنایا.»؛ عفت نفس را مصون و آن را از پستی‌ها دور نگه می‌دارد.<sup>۷</sup>

«العفاف زهادة.»؛ عفت پارسایی است.<sup>۸</sup>

۱- بانکی پورفرده، امیرحسین، تدوین آینه زن، مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری ص ۲۲۳.

۲- مؤمنون/ ۵

۳- محمّدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۸ ص ۱۳۱۱۶.

۴- همان، ص ۱۳۱۲۰.

۵- همان، ص ۱۳۱۲۱.

۶- همان، ص ۱۳۱۲۲.

۷- همان، ص ۱۳۱۲۳.

۸- همان، ص ۱۳۱۲۴.

با دقت در آیات و روایات در می‌یابیم عفت به معنی مناعت و آن حالت نفسانی است که [انسان را] از غلبه‌ی شهوت بازدارد.<sup>۱</sup> و هم چنین به معنی پارسایی و پرهیزکاری و بازداشتن از حرام است.<sup>۲</sup>

به طور کلی، عفت را می‌توان یک صفت انسانی و ملکه‌ی نفسانی و زینت باطنی دانست که موجب می‌شود تمام اعمال و حرکات و گفتار و پوشش انسان، عقیقانه و فاقد ردیلت‌های شهوانی و هوس‌آبانه باشد.<sup>۳</sup>

عفاف از یک سوبه عنوان یک مسائله‌ی اصلی و بنیادین و فراتر از حجاب و پوشش مطرح است و از سوی دیگر، رابطه‌ی تنگاتنگی با آن دارد؛ چرا که به عنوان یک خصلت و ارزش اختیاری، پوشش را به ارمغان می‌آورد به طور کلی، می‌توان حجاب را میوه و ثمره‌ی عفاف دانست.

گفتنی است، شرم، حیا و اشتیاق به عفاف و پاکدامنی، یک تدبیر نهفته در خلقت و فطرت زن است که او را وادار می‌سازد به طور ناخودآگاه، خود را از چشم نامحرم پوشاند. به عبارت دیگر، گرایش زن به حفظ عفت خویش، از احساس فطری و الهام‌گریزی وی نشأت می‌گیرد.

از این رو، قرآن کریم که کتاب انسان‌شناسی و روانشناسی است و مطابق با فطرت آدمی، نیازهای او را تشریح می‌کند، جلوه‌های عفاف زنان را این گونه بیان می‌فرماید:

۱- قرشی، سید علی، فاموس قرآن ج ۵، ص ۱۹.  
 ۲- سیاح احمد، مترجم فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)، ج ۱، ص ۱۲۰۵.  
 ۳- کوهی محمد رضا، آسیب شناسی شخصیت زن، ص ۲۹۳.

۱. عفت در گفتار

در آیه ۳۲ سوره‌ی احزاب درباره‌ی وظایف زنان در لزوم رعایت عفاف در سخن گفتن با مردان نامحرم می‌فرماید:

﴿لَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾  
 سپس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویند.

خضوع در اینجا به معنای این است که زنان در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف نکنند تا مردان بیمار دل را دچار ریه و خیال‌های شیطانی کنند و شهوت آنها را برانگیزانند منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوت باز می‌دارد.

و (قولا معروفاً) یعنی سخن معمولی و مستقیمی بگویند که به دور از کرشمه و ناز باشد و شرع و عرف اسلامی آن را پسندیده دارد.<sup>۱</sup>

این آیه اشاره به کیفیت و محتوای سخن گفتن و حرمت صحبت کردن با ناز و عشو دارد و صحبت کردن با نامحرم باید عقیقانه و به دور از نرمش و خضوع و خودنمایی باشد. همچنین بر اجتناب از هرگونه سخنان بیهوده و غیر ضروری و شهوت‌انگیز تأکید دارد و متذکر می‌گردد در صورت عدم رعایت این امر ممکن است در اثر نمایش جاذبه‌های زنانه و سخنان هوس‌آلود، افرادی که از سلامت و وحی و روانی و اعتدال نفسانی - که در اثر ضعف یا فقدان ایمان می‌باشد -

۱- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان ج ۱۶، ص ۴۶۱.  
 ۲- جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، ص ۴۳۶.

برخوردار نباشند به فکر گناه و فحشا یفتند و امنیت جامعه را به خطر بیندازند.

۲. عفاف در نگاه

در آیه ی ۳۱ سوره ی نور که به سوره ی عفت و پاکدامنی و حجاب معروف است،<sup>۱</sup> به چندین رفتار عقیقانه اشاره می کند که یکی از آنها وجوب حفظ و کنترل دیده و نگاه است: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾؛ به زنان مومن بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند. همچنین در آیه ی دیگری می فرماید: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾؛ به مردان مؤمن بگو از بعضی نگاه های خود (نگاه های غیرمجاز) چشم پوشی کننده. <sup>۲</sup> در شان نزول این آیات آمده: جوانی در بین راه، زنی را می بیند و به او چشم می دوزد و به دنبال او به راه می افتد. طوری غرق نگاه بوده که صورتش به دیوار برخورد می کند و مجروح می شود، نزد رسول خدا ﷺ می رود و ماجرای خود را نقل می کند و این آیات نازل می گردد.<sup>۳</sup>

«یغضض» از ماده ی ((غضض)) به معنای کاهش و کم کردن نگاه است.<sup>۴</sup> و منظور چشم پوشی از نگاه های حرام و غیر ضروری و شهوت آلود است. در لزوم عفت و پاکدامنی و ترک نگاه حرام، بین زن و مرد،

۱- مکارم شیرازی، ناصر، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۸۹.  
۲- نور، ۳۱.  
۳- نور، ۳۰.  
۴- قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۸، ص ۱۷۳.  
۵- تائوس قرآن، همان، ج ۵، ص ۱۰۵.

فرقی نیست. <sup>۱</sup> بدین ترتیب همان گونه که چشم چرانی بر مردان حرام است، بر زنان نیز حرام است. <sup>۲</sup> حضرت رسول ﷺ می فرماید: «از نگاه های زیادی پرهیزید؛ زیرا تخم هوس می پراکند و غفلت می زاید». <sup>۳</sup> همچنین حضرت عیسی علیه السلام می فرماید:

«از نگاه به نامحرم پرهیزید که بذر شهوت را بر دل می نشاند و همین برای دچار شدن انسان به فتنه کافی است».

از این رو، کنترل چشم می تواند از مهم ترین و اساسی ترین اصول عفاف باشد که باید در مرتبه ی اولی رعایت گردد؛ چرا که چشم دروازه ی قلب و روح است و هر چه دیده بیند دل کند یاد. امام علی علیه السلام می فرماید: «العین رائد القلب؛ چشم، دل را به دنبال خود می کشد».

بدین ترتیب، کمترین کوتاهی در چشم پوشی از نگاه به نامحرم، تیری مسموم از سوی شیطان است. <sup>۴</sup> قلب که عقل انسان را نشانه گرفته و دل و فکر او را مشغول و به دنبال آن غریزه را مشتعل می کند و از آن پس فتنه ها به دنبال می آورد، که گاه جبران ناپذیر است.

به گفته ی شاعر:

این نظر از دور چون تیر است و سم عشقت افزون می شود صبر تو کم

۱- تفسیر نور، همان، ص ۱۷۶.  
۲- تفسیر نمونه، همان.  
۳- میزان العکس، همان، ج ۱۳، ص ۲۰۲۴۵.  
۴- تفسیر نور، همان، ص ۱۷۲.  
۵- تفسیر نور، همان، ص ۱۷۳.  
۶- الطرة سهم مسموم من سهام اییس، میزان العکس، همان، ج ۱۳، ص ۲۰۲۸۵.

کسی که عفت چشم پیشه کند و نگاه حرام را دنبال نکند، فکرش فراغت و دلش آرامش می‌یابد<sup>۱</sup> و اوصافش نیکو گشته<sup>۲</sup> و در نتیجه خداوند شیرینی ایمان و عبادت را به او می‌چشاند<sup>۳</sup> و به ازای فرو بستن چشم از حرام، قدرت مشاهده‌ی شگفتی‌های عالم و عظمت الهی را می‌یابد.<sup>۴</sup>

۳. عفت در شهوت

در انامه‌ی آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی نور می‌فرماید: ﴿وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾؛ «[به زنان با ایمان بگو] دامن‌های خود را حفظ نمایند. «فروج» جمع فرج، به معنای شکاف میان دو چیز است که با آن از عورت کتابه آورده‌اند.<sup>۵</sup>

مراد از «حفظ فروج» در این آیه و آیه‌ی ۳۰ همین سوره، به خاطر قرین شدن با «یغضضن» و «یغضوا»، پوشاندن آن از نامحرمان است، نه حفظ آن از زنا و لواط.

- ۱- امام علی علیه السلام من غض قلبه اراح قلبه، کسی که چشم خود را پایین اندازد دلش را آسوده گرداند. میزان الحکمة، همان، ج ۲، ص ۲۶۹.
- ۲- امام علی علیه السلام من عفت اطرافه حنت اوصافه، هر که نگاه هایش پاک باشد، اوصافش نیکو شود. میزان الحکمة، همان، ج ۲، ص ۲۶۹.
- ۳- رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «انظر سهم مسوم من سهام ابليس، فمن تركها خوماً من الله اعطاه الله ايماناً يجد حلاوته في قلبه نگاه کردن یکی از تیرهای زهر آلود ابلیس است. پس هر که از تیرش خدا چشم خود را (از نامحرم) فرو برد خداوند به او ایمانی عطا فرماید که حلاوت آن را در دلش بیابد. میزان الحکمة، همان، ج ۲، ص ۲۷۳.
- ۴- رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «غضوا بصرکم ترون المجانب» چشمان خود را (از حرام) فرو بندید تا شگفتی‌ها ببینید. میزان الحکمة، ج ۲، ص ۲۶۲.
- ۵- تفسیر المیزان، همان، ص ۱۵۵.

در ذیل آیه می‌فرماید: ﴿ذلک ازکی لهم﴾؛ یعنی این امر باعث تزکیه و شکوفایی استعدادها و رشد شخصیتی و معنوی آنها می‌شود. در روایت نیز آمده «التزاهة آية العفة»<sup>۱</sup> و «بالعفاف تزکوا الاعمال»<sup>۲</sup>. دوری از آلودگی‌ها نشانه‌ی پاکدامنی است. به وسیله‌ی عفت اعمال پاکیزه و مطهر می‌گردد و در نتیجه انسان رشد می‌یابد، و در غیر این صورت، چشم چرانی و بی‌عفتی مانع رشد معنوی انسان خواهد گردید.<sup>۳</sup>

همچنین قرآن در مورد کسانی که امکان برای ازدواج نمی‌یابند می‌فرماید: ﴿وَلَيْسَتَغْنِفُ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحاً خَشِيَ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ بِسِنِّ فَضْلِهِ﴾<sup>۴</sup> و کسانی که وسیله‌ی نکاح ندارند به عفت سر کنند تا خدا از کرم خویش از این بابت بی‌نیازشان کند.<sup>۵</sup> در این باره حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «هر که پاکدامنی و متاعت جوید، خداوند او را پاکدامن و با متاعت گرداند، و هر که بی‌نیازی طلبد، خداوند بی‌نیازش گرداند»<sup>۶</sup>. بنابراین، قدرت نیافتن برای ازدواج و دسترسی نداشتن به همسر، مجوزی برای گناه کردن و فراهم کردن آن از راه نامشروع

- ۱- نور، ۳۰.
- ۲- میزان الحکمة، همان، ج ۱، ص ۱۲۱۶۱.
- ۳- همان، ج ۱، ص ۱۳۱۶۲.
- ۴- تفسیر نور، همان، ص ۱۷۴.
- ۵- نور، ۳۳.
- ۶- تفسیر المیزان، همان، ص ۱۵۲.
- ۷- «ومن يستغف يبقه الله ومن يستغف يبقه الله» هر که پاکدامنی و متاعت جوید، خداوند او را پاکدامن و با متاعت گرداند و هر که بی‌نیازی طلبد خداوند بی‌نیازش گرداند. [میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۳۱۶۱].

نیست بلکه صبر و عفت لازم است تا خداوند نیز از فضل خود بی نیازشان گرداند.<sup>۱</sup>

۴. عفت در پوشش

مسأله‌ی حجاب و پوشش زن و مستور نمودن زینت‌های ظاهری و باطنی وی، اهمیت بسیاری دارد. خداوند حکیم به دنبال آیه‌ی مذکور، و در چند جای دیگر قرآن به این موضوع با تعبیر مختلف اشاره کرده و زنان را از هتک حرمت خود با بند حجابی و بی‌حجابی و خود آرایی و خودنمایی در برابر نامحرم نهی فرموده است.

در ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾<sup>۱</sup> اما ما ظاهر منبها<sup>۲</sup> زنان را مکلف می‌کند که نباید جاذبه‌ها و زینت‌های - ظاهری و باطنی - خود را آشکار سازند، مگر آن مقدار که طبیعتاً نمایان است.

کلمه‌ی «ابداء» به معنای اظهار و آشکار کردن است و مراد از زینت زنان محل و موضع زینت است؛ چرا که آشکار کردن خود زینت از قبیل گوشواره و دستبند حرام نیست، بلکه منظور محل زینت است. اما آنچه از زینت‌های ظاهری، پوشاندنش استثنا شده، صورت و دو کف دست و قدم‌ها است.<sup>۳</sup> بنابراین، مقتضای آیه نهی از خود نمایی و آشکار نمودن زینت‌های شهوت‌انگیز و جلوه‌نمایی اندام‌های نهان زنان است. در ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عُلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾<sup>۴</sup> توصیه می‌فرماید: «زنان باید

۱- تفسیر نور، همان، ج ۸، ص ۱۸۱، با اندکی تغییر در عبارت.  
 ۲- نور، ۲۶.  
 ۳- تفسیر المیزان، همان، ج ۱۵، ص ۱۵۶.  
 ۴- نور، ۳۶.

سرپوش‌ها و روسری‌های خود را برگردن انداخته و حایل قرار دهند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه‌ی آنها نیز پوشیده شود).<sup>۱</sup>

«خمر» جمع خمار، به معنای جامه و پوششی است که زنان سر و موی خود را با آن می‌پوشانند. و «جیوب» جمع جیب، به معنای گریبان و سینه است.<sup>۲</sup>

بنا بر نقل تواریخ، رسم بر این بود که زنان عرب معمولاً لباس‌هایی می‌پوشیدند که یقه‌ی پیراهن و گریبان‌هایشان باز بود و دور گردن و سینه را نمی‌پوشانید. روسری‌هایی هم که روی سر خود می‌انداختند از پشت سر می‌انداختند (همانطوری که هم اکنون بین مردان عرب متداول است) به طوری که گوش‌ها و بناگوش‌ها و گوشواره‌ها و جلوی سینه و گردن آنها نمایان می‌گشت.

لذا این آیه نازل شد که باید پوشش‌ها و روسری‌ها خود را از دو طرف روی سینه و گریبان خود بپفکنند تا قسمت‌های یاد شده پوشیده گردد. به تعبیر ابن عباس، صحابی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تفسیر آیه، این گونه است: «تغلی شعرها و صدرها و ترائبها و سرفهها؛ یعنی زن باید مو و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند.<sup>۳</sup> این آیه، با اشاره به کیفیت پوشش و حجاب زنان روشن می‌سازد که آنان باید تمام اندام و سر و سینه و گردن و موهای خود را در برابر نامحرم بپوشانند و در پوشاندن خویش نهایت عفاف را رعایت کنند.

۱- نور، ۳۶.  
 ۲- قاموس قرآن، همان، ج ۲، ص ۲۹۹.  
 ۳- مطهری مرتضی، مسأله‌ی حجاب، ص ۱۳۹.

آیه‌ی دیگری درباره‌ی عفت در پوشش وارد شده آیه ۵۹ سوره‌ی احزاب است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَا أُوْحِيَكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبٍ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَسَلَىٰ يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾؛ «ای پیامبر! به همسران و دخترانست و زنان مؤمنان بگو جلپاب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای این است که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است، و خداوند همواره آمرزنده‌ی رحیم است»<sup>۱</sup>.

سبب نزول این آیه آن بود که شب هنگام که زنان مسلمان به قصد رفتن به مسجد و شرکت در نماز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خانه بیرون می‌رفتند، جوانان سر راه آنان می‌نشستند و با سخنان ناروا متعرض آنان می‌گشتند.

«جلابیب» جمع جلاباب، به معنای لباسی است سرتاسری که تمام بدن را بپوشاند، و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر شود. این پوشش باید به گونه‌ای باشد که زیرگلو و سینه‌ها را محفوظ بدارد.<sup>۲</sup>

مراد از ﴿ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَسَلَىٰ يُؤْذِينَ﴾ «این است که باپوشاندن بدن به صورت کامل به عفاف و حرمت و حریت شناخته می‌شوند و مورد تعرض افراد مریض و مغرض و هوسران قرار نمی‌گیرند».

۱- احزاب/ ۵۹

۲- تفسیر المیزان، همان، ج ۱۶، صص ۵۹، ۶۰، ۵۱۰

احتمال دیگری که در معنای این جمله داده شده این است که وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، افراد فاسد و مزاحم، جرات نمی‌کنند متعرض آنها شوند.<sup>۱</sup> از آنچه گفته شد، روشن می‌گردد که منظور از «جلباب» پوششی وسیع تر از خممار است که همان چادر و حداقل، شیه چادر - مقنعه‌ی بلند و چادر کوتاه - می‌باشد.

بنا بر این، حجاب برتر، حجابی است که تمام اندام زن و برآمدگی‌های سینه و جاذبه‌های بدن وی، به جز گردی صورت و کف دو دست و دو پا، را مستور سازد. شاید بتوان بارزترین پوششی که تمام این خصوصیات را شامل شود چادر دانست.

این پوشش در نظر اسلام به خاطر مصلحت‌هایی در نظر گرفته شده که به سود زنان است. براین اساس، عفاف و پوشش کامل و حجاب عقیانه زن مؤمن، تجسم حرمت و احترام و بهترین سلاح اوست تا افراد بوالهوس و مریض به فکر تعرض و اذیت نیفتند و هرگز کسی به خود اجازه‌ی فکر باطل ندهند. پس حجاب و پوشش دینی محدودیت و بند و حصار نیست، بلکه موجب مصونیت و حرمت زن است.

حضرت زهرا (س) بانوی بزرگواری که مظهر کمالات الهی و برترین اسوه‌ی انسان‌ها به ویژه زنان می‌باشند، از نظر عفاف و حجاب الگوی بی نظیری هستند که با دقت نظر در سیره و زندگانی آن حضرت به اوج عظمت ایشان در همه‌ی عرصه‌ها، به ویژه حیا و عفت و حجاب، می‌توان پی برد.

۱- مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، همان، صص ۱۶۲

ایشان همان کسی است که زن نیکو و شایسته را زنی می‌داند که مردی را ببیند و مردی او را نبیند.<sup>۱</sup> و شرم و حیاء و عفت آن حضرت به قدری بوده که حتی در حضور مرد نابینا خود را محفوظ داشت.<sup>۲</sup> آن تجسم حیاء و عفت، تا ضرورتی نبود، به میان جامعه نمی‌آمدند، اما در مواقع حساس و ضروری، در اجتماع حضور می‌یافتند و در مسایل سیاسی و اجتماعی شرکت می‌کردند؛ به ویژه در مسأله‌ی ولایت امیرالمومنین و به یغما رفتن فدک، در مجامع عمومی به مناظره می‌نشستند و از حق خویش دفاع می‌کردند و در عین حال هرگز از پرده عفاف و حجاب بیرون نمی‌رفتند.

در این رابطه نقل می‌کنند هنگامی که برای حضرت ثبت شد فدک غصب گردیده در حالی که لباس‌های بلند می‌پوشید تمام بدن ایشان را پوشانده بود، وارد مسجد شدند و در جایگاهی قرار گرفته که پرده‌ای بین زنان و مردان حایل بوده و مردان، حضرت را نمی‌دیدند.<sup>۳</sup> این نشان می‌دهد حضرت حتی در میدان مبارزه نیز به عفاف و حجاب اسلامی بسیار معتقد بوده‌اند.

۱- آن لا یرین الرجال ولا یرامن الرجال (بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۸، به نقل از زن در آئینه جلال و جمال، همان، ص ۴۴۸.  
 ۲- امیر المومنین علی القلی فرماید: روزی حضرت زهرا در محضر رسول خدا نشسته بود که مرد نابینایی اجازه‌ی ورود خواست، پیامبر مشاهده فرمود که حضرت زهرا (س) برخواست فرمود: دخترم این مرد نابیناست پاسخ داد: فان لم یکن برای فانی آراه و هو یشم الریح، اگر او من را نمی‌بیند، من او را می‌نگرم اگر چه او نمی‌بیند اما بوی زن را استشمام می‌کند! (رسول خدا پس از شنیدن سخنان دخترش فرمود: شهادت می‌دهم که تو پاره‌ی تن من هستی، [بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۹۱، به نقل از فرهنگ سخنان حضرت فاطمه الزهرا، محمد دشتی، ص ۷۳].  
 ۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، صص ۲۱۱ و ۲۴۹ به نقل از بابا زاده علی اکبر تحلیل سیره فاطمه الزهرا، ص ۱۵۴.

همچنین خشنودی حضرت فاطمه (س) از محول شدن انجام کارهای خانه و معاف شدن از کار در بیرون از منزل در تقسیم کار توسط حضرت رسول ﷺ<sup>۱</sup> به اوج عفت و حیاء ایشان و خودداری از اختلاط با مردان اشاره دارد.

آن حضرت، به حدی به امر حجاب و عفت اهمیت می‌دادند که حتی در بستر مرگ از کیفیت حمل جنازه‌ی خود نگران بودند و به پوشیده بودن و محفوظ بودن بدن خویش از دید نامحرم در هنگام حمل جنازه سفارش کردند.<sup>۲</sup>

چنین بانوی با عظمت و بی‌نظیری رابه حق می‌توان با شخصیت‌ترین، اجتماعی‌ترین و در عین حال عقیف‌ترین انسان‌ها دانست که باید ایشان را سرمشق خویش در تمام راه و رسم زندگی قرارداد.

در ادامه‌ی آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی نور می‌فرماید: ﴿وَلَا یُسَدِّیْنَ زَیْنَتَهُنَّ إِلَّا لِیَسْوَئِلَتِهِنَّ أَوْ...﴾؛ «زنان نباید جاذبه‌ها و زینت‌های خود را جز برای شوهران خود و محارم سببی و نسبی آشکار سازند».

۱- رسول خدا ﷺ در زمینه‌ی تقسیم کار این گونه داور می‌کردند: فاطمه (س) را مأمور به انجام امور داخل خانه نمود و علی عقیف نیز به امور خارج از خانه مأمور ساخت. دختر پیامبر از این تقسیم کار فوق‌العاده خوشحال شد و چنین اظهار داشت: چیز حداونده نمی‌داند که من از چنین تقسیم کار چقدر خوشحال شدم زیرا پدرم رسول خدا مرا از گریبانگیر شدن با مردان معاف داشته است. (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲۳ به نقل از تحلیل سیره‌ی حضرت زهرا، همان، ص ۱۵۳.  
 ۲- روزی حضرت زهرا (س) در بستر بیماری به اسماء بنت عمیس فرمود: من بسیار زشت می‌دانم که جنازه‌ی زن را پس از مرگ بر روی تابوت سرانگداشته و بر روی آن پارچه‌ای می‌افکنند، که حجم بدن مشخص می‌گردد. مرا بر روی تابوت آتجنتی مگذار و بدن مرا بیوشان که حلا تو را از آتش جهنم باز دارد [کشف الغممه، ج ۲، ص ۶۷ به نقل از فرهنگ سخنان حضرت زهرا، ص ۷۵].



در این کلام الهی باز هم صحبت از حجاب و حرمت خود آرایشی و خود نمایی و نمایان کردن زینت های پنهان نزد نامحرمان است؛ مگر مراد مذکور در آیه (تحت شرایطی که برای هر یک ذکر می کند) و برای شوهر دین اسلام حیا و عفت زن را در برابر شوهر مذموم شمرده و فرماید: زن خوب زنی است که در خلوت با شوهرش حیا را از تنش خارج کند و سپس در شرایط عادی حیا را نیز مانند لباس به اندامش بپوشاند.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب عفت و حیا در برابر شوهر تقبیح و در برابر نامحرم تأکید شده است. این مسأله حکایت از حکیمانه بودن دین مبین اسلام در راستای استواری نظام خانواده دارد.

۵. عفت در کردار

وظیفه ی دیگر زنان پرهیز از اعمال و رفتارهای جلب توجه کننده و غیر عقیفانه است:

﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾ «هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت های پنهان نشان دانسته شود،<sup>۲</sup> و صدای زبور آلتشان از قبیل خلخال و دستبند و گوشواره به صدا در نیاید»<sup>۳</sup>.

۱- «حیر النساء التي اذا خلعت مع زوجها فخلعت الدرع خلعت مع الحياه و اناقلت الدرع لبت مع الحياه» [رسائل الشیخ، ج ۱۴، ص ۱۱۶، ج ۱۰].  
 ۲- نور / ۳۱.  
 ۳- تفسیر المیزان، ص ۱۸۷، ذیل آیه.

پس هر گونه راه رفتنی که موجب آشکار شدن زیورهای مخفی زن شود از نظر اسلام ممنوع است.<sup>۱</sup> و زنان باید در رعایت عفاف و پرهیز از امور جلب توجه کننده دقت لازم را بنمایند و اعمال و رفتارشان و استفاده آنان از وسایل زینتی و استعمال عطر و بوی خوش به گونه ای نباشد که باعث جلب توجه نامحرم و عامل انحراف فکرها و تباهی دلها گردد.

در آیه ی دیگری که مربوط به حرمت خود آرایشی و خود نمایی می باشد و این عمل زشت را جاهلانیه و همچون جاهلیت قدیم قبل از اسلام می شمارد، می فرماید: ﴿وَقُلْ لِمَنْ فِي الْأُولَىٰ﴾ «ای همسران پیامبر [در خانه های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین [در میان مردم] ظاهر نشوید و...»<sup>۲</sup>.

«تبرج» به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است؛ همان طور که برج قلعه در برابر دیدگان مردم ظاهر است. مقصود از جاهلیت اولی، جاهلیت قبل از بعثت پیامبر اکرم ﷺ است که در آن عصر، وضعیت پوشش زنان، عقیفانه نبوده است.

آیه خطاب به زنان پیامبر اکرم ﷺ است، اما طبق نظر مفسرین عمومیت دارد و شامل همه ی زنان می شود.

بر اساس این آیه، خود آرایشی و خود نمایی زنان - که ویژگی فطری و مشترک میان زنان است - در برابر نامحرم عمل جاهلانیه ای است که زنان عصر جاهلیت به آن گرفتار بودند و زنان مسلمان نباید زیر بار چنین

۱- نور / ص ۱۷۷.  
 ۲- احزاب / ۳۳.

ننگی برونند، بلکه باید این غریزه‌ی طبیعی را در پرتو ایمان و عفت، کنترل و تعدیل و در جهت مثبت آن (در برابر شوهر) به کار گیرند. آن چه از مفاد آیه در مورد جاهلیت نخستین آمده نشان از آن دارد که جاهلیت دیگری همانند جاهلیت قبل از اسلام در پیش است که شاید بتوان آن را با عصر و زمان حاضر منطبق دانست.

در تفسیر قمی روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که بعد از جاهلیت اول، جاهلیت دیگری نیز خواهد آمد<sup>۱</sup> که حاکی از همین جاهلیت مدرن عصر جدید است که مع الاسف مظاهر آن را در جوامع اسلامی نیز می توان دید.

از این رو، زنان باید از هرگونه رفتار جلوه گرانه و تحریک کننده پرهیز کنند و با تاسی از آیه‌ی «ثُمَّ شِئَ عُلَى اسْتِجِیَامٍ»<sup>۱</sup> که شیوه‌ی راه رفتن زنان اسلامی را ترسیم می کند و با اقتدا کردن به بانوی دو عالم فاطمه‌ی زهرا (س)، به شیوه‌ی آن حضرت عمل نمایند.

#### نتیجه

در روایت آمده: «کسی که در راه خدا جهاد کند و شهید شود اجرش بزرگ تر از کسی نیست که بتواند گناه کند و عفت ورزد. انسان پاکدامن نزدیک است که فرشته‌ی ای از فرشتگان خدا شود».<sup>۲</sup>

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۷۳، به نقل: تفسیر قمی، ج ۴، ص ۱۹۳.

۲- قصص / ۲۵.

۳- امام علی علیه السلام ما المجاهد الشهید فی سبیل الله باعظم اجراً من قدر نعمته؛ کاد العقیف ان یکون ملکاً من الملائکه (مجموع البلاغه، حکمت ۴۷۲).

این روایت نشان از اهمیت عفاف و بلند مرتبه بودن فرد عقیف و پاکدامن دارد. این مهم بی جهت نیست؛ چرا که ثمره و میوه‌ی پاکدامنی را صیانت<sup>۱</sup> عنوان کرده اند و کسی که مصونیت یافت مسلماً بار گناهانش سبک و منزلتش نزد خدا بالا می رود.<sup>۲</sup>

با دقت در آیات و روایات عفاف در می یابیم که زن مسلمان باید همواره سرمایه‌ی عفت و حیای خویش را که خداوند فطرتاً در نهاد وی قرار داده حفظ نماید و تمامی اعمال، رفتار، حرکات و سخنان، نگاه‌ها و پوشش‌های او شیوه‌ی عقیفانه داشته و به دور از هرگونه خودنمایی و جلوه‌گری و حرکت تحریک آمیز باشد و روابط او با نامحرم در کمال احتیاط و در حد ضرورت و در چارچوب دین صورت گیرد.

همه‌ی این موازین ناشی از نظام حکیمانه‌ی خداوند است و جز برای مصلحت و منفعت زن و خانواده و اجتماع بشر وضع نگردیده است.

به طور یقین، با رعایت عفاف و حجاب آثار و برکاتی از جمله بالا رفتن ارزش و احترام زن، آرامش روانی، پابندی به خانواده و استحکام اجتماع به بار می نشیند.

در این راستا، باید با نهادینه کردن فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه در جهت اعتلای آن تلاش نمود و کوشش کرد کسانی که از این امر غافل گشته اند، گم شده‌ی فطرت خویش را به دست آورند و جان خموش و شخصیت منکوب خویش را بیدار و زنده گردانند و هویت و اصل خویش را باز یابند.

۱- امام علی علیه السلام «تمرة العفة الصیانة» (میزان الحکمه، ج ۱۳۱۵۷).

۲- امام علی علیه السلام من عفت خفت وزره، و عظم عدله ندره (همان، ج ۱۳۱۵۸).

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: آیه الله مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی.
۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴.
۴. طباطبایی، محمد حسین، برگزیده تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۱۵ و ۱۶، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۵. علی بابایی، احمد، برگزیده تفسیر نمونه زیر نظر آیه الله مکارم شیرازی، ج ۳، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ ش.
۶. حجت الاسلام و المسلمین قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۸، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی دوسهایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکم
۸. ترجمه: حمید رضا شبخی، ج ۳ و ۸ و ۱۱ و ۱۳، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۱ ش.
۹. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین (عربی به فارسی)، [ترجمه المنجد]، ج (۲)، تهران: انتشارات اسلام، بی تا.
۱۱. بانکی پور فرد، امیر حسین، آئینه زن، مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری، قم: دفتر نشر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۱ ش.
۱۲. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه (س)، تهران: نشر شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.

۱۴. پایزاده، علی اکبر، تحلیل سیره فاطمه زهرا (س)، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۶ ش.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر اسراء ۱۳۷۸ ش.
۱۶. کوهی، محمد رضا، آسیب شناسی شخصیت زن، قم: انتشارات پارسیان، ۱۳۸۳ ش.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، زهرا (س) برترین بانوی جهان، قم: انتشارات سرور، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ ش.
۱۹. اکبری، محمد رضا، تحلیلی نو و علمی از حجاب در عصر حاضر، انتشارات شهید حسین فهمیده، ۱۳۷۶ ش.